

خلمه‌سازی مادرهای تلویزیونی

رامین زارعی

نویسنده و طنزپرداز



به مناسبت روز مادر، تصمیم گرفتیم سراغ مادرها در سریال‌های طنز تلویزیون و واگوی نقش‌های آن‌ها برویم. برای بررسی دقیق‌تر سعی کردیم نقش مادر را در آثار کارگردان‌های مختلف بررسی کنیم تا ببینیم هر یک، مادر را چگونه در سریال‌های طنز نشان به تصویر کشیده‌اند.



• مهران مدیری و مادری که نیست

مهران مدیری دیگر نویسنده و کارگردانی است که سریال‌هایش به شدت بین مردم طرفدار دارد. مهم‌ترین و شاید بتوان گفت ماندگارترین سریال او «شب‌های برره» بود که اثرات قابل توجهی در جامعه آن زمان داشت. اکثر فیلم‌های مدیری انتقادی، اجتماعی و سیاسی هستند. اگرچه در اغلب سریال‌های او خانواده به عنوان بخشی از داستان وجود دارد، اما روابط بین اعضای خانواده و نقش‌های درون هر خانواده از جمله نقش مادری، از اهمیت کمتری برخوردار هستند. مثلاً شخصیت «شادونه» در شب‌های برره، همسر خان پایین برره بود و به شدت روی فرزندانش یعنی شیرفرهاد و سحرناز حساسیت داشت و بیشتر کارهایی که انجام می‌داد به خاطر حفظ موقعیت آن‌ها بود. ولی حتی در سریالی مثل شب‌های برره که در آن نقش مادر وجود داشت هم آن‌طور که باید به مادری پرداخته نشده بود. نقش مادر در برخی از سریال‌های دیگر مدیری مانند «پاورچین»، «نقطه چین»، «مرد هزار چهره»، «مرد دوهزار چهره»، «در حاشیه» و... نسبت به شب‌های برره هم کم‌رنگ‌تر بود و سهم مهمی در پیش‌برد داستان و خلق موقعیت‌های طنز نداشت.



• سروش صحت و مادران متفاوت

سروش صحت در مقام نویسنده و کارگردان در فیلم‌هایی مثل «شمعدونی»، «ساختمان پزشکان» و «پژمان» تا حدود زیادی مادرانی متفاوت و پرموقعیت در کمدهی را به نمایش گذاشته است. شاید بتوان گفت در شمعدونی بیشترین نمایش مادر و رابطه با فرزندان را شاهد بودیم و بخش زیادی از فیلم مرتبط با همین موضوع بود. دو مادر با چالش‌های تربیتی مختلف که نقش یکی از آن‌ها را «آنته فقیه‌نصیر» برعهده داشت با پسر و دختری جوان که دختر درحال درس خواندن و در فضای کنکور و دانشگاه و پسر هم با سختی‌های زندگی درگیر بود. نقش مادر دیگر را «نگار عابدی» بازی می‌کرد؛ با یک پسرریچه فضول و بیش‌فعال که همواره در جمع باعث وجود چالش‌هایی می‌شد. در فیلم ساختمان پزشکان مادری با بازی «بروین قائم‌مقامی» داشتیم که بین فرزندانش فرق می‌گذاشت و مدام با ضایع کردن یک از پسرها یعنی دکتر نیما افشار جلوی بقیه، موقعیت‌های طنزی را خلق می‌کرد. در سریال «لیسانسه‌ها» و «فوق‌لیسانسه‌ها» با وجود اینکه خانواده‌محور بود و مادرانی هم در آن وجود داشت که دل‌سوز فرزندان خود بودند، ولی کاملاً سطحی و معمولی به این نقش پرداخته شده بود؛ مثلاً مادر «حبیب» صرفاً در سکانس‌هایی محدود صحبت‌هایی با پسرش داشت و نقش مادر در این سریال پررنگ نبود. در سریال «چارخونه» نیز که جزء اولین سریال‌های صحت بود، او از کلیشه‌های عطاران بهره می‌برد و مریم امیرجلالی در آنجا هم شبیه فیلم‌های عطاران بازی می‌کرد.



• رضا عطاران و مادری که باید امیرجلالی باشد

از رضا عطاران شروع می‌کنیم که پای ثابت بازیگر نقش مادر در فیلم‌هایش، «مریم امیرجلالی» بود. زنی به‌شدت عصبانی و مادری با دست بزن که اگر امکان نمایش در تلویزیون را داشت دهان بچه را باز می‌کرد و در آن فلفل هم می‌ریخت. در سریال تکرارنشده «خانه به دوش» دو مادر با ویژگی‌های شخصیتی متفاوت داشتیم. «ناهد» با بازی «مریم امیرجلالی» و «نسرین» با بازی «فلور نظری» که در این فیلم با هم خواهر بودند و البته هیچ شباهتی از خواهر بودن هم نداشتند. ناهید زنی از قشر ضعیف جامعه و با سه فرزند که مدام با هر کدام چالش‌هایی داشت و همه را با دعا و عصبانیت حل می‌کرد. نسرین نیز فقط یک دختر لوس داشت که در ناز و نعمت زندگی می‌کرد و چیز زیادی از مادری او در این فیلم نمی‌بینیم. ناهید سهم بیشتری در این قصه داشت و همان‌طور که گفته شد بیشتر شوخی‌ها از طریق غرزدن‌های او با فرزندانش شکل می‌گرفت. در سریال «متهم گریخت» نیز دوباره نقش مادر برعهده «مریم امیرجلالی» است که مجدداً با همان عصبانیت و غرزدن موقعیت‌های طنزی را خلق می‌کند.



البته در این سریال خانم «شهربانو موسوی» در نقش «بی‌بی» جلوه متفاوتی از مادری در فیلم طنز را به نمایش درآورد. او با وجود سن بالای فرزندش «هاشم» حساسیت‌های زیادی روی او داشت و مدام طرفداری او را در مقابل عروسش می‌کرد.

در «ترش‌وشیرین» باز همان مادر همیشگی را با بازی «مریم امیرجلالی» شاهدیم؛ مادری تندخو ولی دل‌سوز که با توجه به ماجرای ازدواج مجددش، چالش بیشتری با پسر بزرگش مجید داشت. او همچنین با همان تندی همیشگی در برخورد با دختران و دامادش با بازی «رضا عطاران» موقعیت‌های طنز زیادی خلق می‌کرد. «بزنگاه» آخرین سریال عطاران در تلویزیون بود که نقشی با محوریت مادر در آن وجود نداشت؛ به‌جز مادری منفعل که از شوهر معتادش طلاق گرفته بود و گاهی اوقات دلش هوای دیدن دخترش را می‌کرد.